

درآمد: شعری به خط شیخ هادی بیرجندی

[در حاشیه: ۱۶ مرحوم آیه الله آقای شیخ هادی بیرجندی

ابلیس شاد خوار شد و خرم	گویند تاکه بن چو نشاند آدم
آتش بجان خشک و ترافروزد	دانست کاین شجر شرر افروزد
نسل بشر مگر بکند از بن	تدبیر کار کرد که تار زین
کیهان غلام طغرل او گردد	دنیا بکرد کاکلی او گردد
تا زرق و برق گیرد و خز و بز	طاوسی گشت در بن آن زر
دنیا بزیر بال و پری گیرد	طاوس بسان جمال و فری گیرد
رقاص و حيله سازی و بدخویی	چون برگ آورد کشت میمویی
سرمایهء فنا و زوال آید	تا زیب بخش مجلس بال آید
تا آنکه عربده جوی شود چرخشت	چون بار خواست دادن شیری کشت
بردارد و پاک سازد عالم را	وز آتش جنگ نسل آدم را
تا سست شد و خمار و خواب آورد	خنزیری کشت چونکه آب آورد
تشکیل دهند حزب بیکاران	تا بیعاران و مردم آزاران
آن آتش تند را نماید تیز	تا بنک و قمار و چرس و افیون نیز
نوباوه چارماب دیرین است	اصل و نسب شراب خوار این است
نبود عجب ار جهان بیو بارد	نسلی کو را چهارماب آرد

پانوشت: بیو: کرمکی که جامهء پشمین و کاغذ را بخورد.